

جلسه پنجم شرح صدر

«پیامبر اکرم ﷺ الگوی شرح صدر»

۱- مهربانی پیغمبر اکرم ﷺ و اجر رسالت

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. «ذَلِكَ وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ»^۱

۱. سوره حج، آیات ۳۲ تا ۳۴.

روز رحلت رسول اکرم ﷺ و شهادت امام مجتبیٰ علیہ السلام است. این مصیبت عظمی را به پیشگاه مقدس حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف تسلیت عرض می کنیم. امیدواریم ما جزء آن کسانی که زحمات بیست و سه ساله پیغمبر اکرم ﷺ را ندیده گرفتند و هدایت نشدند و جزء منافقین بودند قرار نگیریم و همه ما عامل به دستورات آن حضرت باشیم که مهمترین دستور و درخواست و بلکه اجر رسالت بیست و سه ساله پیغمبر مهم ترین چیز محبت به ذوی القربای پیغمبر است. با اعمال خود به آنها اظهار محبت بکنیم و اگر قلباً خدای نکرده نمی فهمیم که باید آنها را دوست داشته باشیم اظهار مودت، اظهار دوستی بکنیم و دستورات آنها را عمل کنیم.

پیغمبر عزیز، آن مهربانی که آنقدر مهربان است که خدای
أرحم الراحمین او را وادار می‌کند که تا این حد خود را در فشار
نینداز «طه ما أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى»^۲ برای مشقت افتادن
تو قرآن را نازل نکردیم «إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لِّسِتٍ عَلَيْهِمْ بِمُصِيطِرٍ»^۳
تو ای پیغمبر مذکری هستی یا داوری کننده‌ای هستی، خود
این‌ها دوست دارند جهنمی باشند، باشند، تو خود را این قدر
اذیت نکن «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ
حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»^۴ پیغمبری بر شما
مبعوث شده است که ناراحتی‌های شما را نمی‌تواند ببیند،

۲. سوره طه، آیات ۱ و ۲.

۳. سوره غاشیة، آیات ۲۱ و ۲۲.

۴. سوره توبه، آیه ۱۲۸.

نمی‌تواند تحمل کند، همه شما را دوست دارد «رَحْمَهُ
لِلْعَالَمِينَ»^۵ است، به مؤمنین رحمت و مهربانی خاصی دارد،
چنین پیغمبر بر شما مبعوث شده است. اجر رسالت پیغمبر
اکرم صلی الله علیه و آله را امروز دادند، در کنار بستر او خنجر به قلب او
زدند، آنقدر فشار بر آن حضرت آوردند که از حجره‌ای که
خوابیده بود و در بستر تکیه به سینه علی بن ابیطالب علیه السلام
داده بود دستور داد آن‌ها را بیرون کنند، فرمود: «لَا يَنْبَغِي
عِنْدِي التَّنَازُعُ»^۶ هیچ سزاوار نیست در این لحظات آخر، در
این لحظه آخری که خدای تعالی من را باید با دلی شاد از این
دنیا ببرد، اینقدر من را محزون کنید. به حرف من اعتناء

۵. سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

۶. بحار الأنوار، ج ۳، ص ۵۳۱.

نکنید، یک قلم و کاغذ از شما خواستم، آن هم برای اینکه شما را از گمراهی نجات بدهم، به من جسارت کردید، من را هذیان گو گفتید، گفتید: بر او مرض و درد مستولی شده است، حرف او حساب ندارد، گفتید «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»^۷ اگر شما قرآن می فهمیدید که قرآن صریحاً فرموده است: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»^۸ سخنی روی هوای نفس نمی گوید، هر چه می گوید از جانب خدا وحی است. این جزای بیست و سه سال زحمت پیغمبر اکرم ﷺ بود؟ ای

۷. کافی، ج ۱، ص ۶۰۹.

۸. سوره نجم، آیات ۳ و ۴.

وای بر ما مردم، وای بر ما «فَمَا أَغْظَمَ الْمُصِيبَةَ بِكَ حَيْثُ
انْقَطَعَ عَنَّا الْوَحْيُ وَ حَيْثُ فَقَدْنَاكَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۹

در جلوی چشم او از نظر زمانی شاید ما فکر کنیم جلوی
چشم پیغمبر اکرم نبوده است اما از نظر وضع پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله در مقابل چشم او زهر به امام مجتبی علیه السلام دادند، در
مدتی که در قید زندگی در این دنیا بود او را رنج دادند، مکرر
در مقابل اجر رسالت حضرت را مسموم کردند تا این آخر.
جُناده خدمت امام مجتبی علیه السلام آمده است و عرض می کند:
آقا جان من را نصیحتی بفرمایید. حضرت می فرماید: «[یا
جُناده] اسْتَعِدَّ لِسَفَرِكَ وَ حَصِّلْ زَادَكَ قَبْلَ حُلُولِ أَجَلِكَ»^{۱۰} ای

۹ - مفاتیح الجنان، زیارت پیامبر اکرم در روز شنبه.

۱۰. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۳۹.

جناده خود را آماده مرگ کن، یک طوری باشد که وقتی می خواهی از دنیا بروی هیچ مشکلی نداشته باشی، یک ولی ای از اولیاء خدا باشی، زاد و توشه خود را برای بعد از مردن خود مهیا کن، جناده می گوید: همین طوری که داشتم با حضرت حرف می زدم، آقا با من حرف می زدند یک وقت دیدم حال ایشان به هم خورد، صدا زدند: زینب برای من تشتی بیاور. سر در میان تشت آنقدر خون از حلق مبارک ایشان در میان تشت ریخت که من گفتم: آقا جان چرا خود را معالجه نمی کنید؟ فرمود: یا جناده مرگ را با چه چیز می شود معالجه کرد؟ و امروز امام مجتبی علیه السلام از دار دنیا رفت، خدا به همه شما اجر و صبر مرحمت بفرماید «أَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا وَ أُجُورَكُمْ بِمَصَائِبِ أَهْلِ بَيْتِ النَّبُوَّةِ عليهم السلام» .

۲- پیغمبر اکرم ﷺ الگوی شرح صدر

مطالب هفته‌های گذشته درباره شرح صدر بود که پیغمبر عزیز ما الگو است و این بزرگوار اُسوه است و باید همه ما به آن حضرت اقتداء کنیم و یک جمله‌ای را به شما دوستان تذکر بدهم و آن این است که پیغمبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام و فاطمه اطهر علیها‌السلام این‌ها یک بُعدی داشتند که آن بُعد برای خود آن‌ها بود، کسی نه می‌تواند بفهمد و نه تحمل کند، مثلاً شرح صدر پیغمبر چقدر بود یک مقداری که ما می‌توانیم تحمل کنیم برای ما شرح دادند و آن مقداری که ما نمی‌توانیم تحمل کنیم یا درک آن را پیدا نمی‌کنیم آن مقدار را برای ما نگفتند، چرا؟ به خاطر اینکه گفتن آن عبث می‌شود، بی‌فایده

می‌شود و مؤمن کسی است که «الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»^{۱۱} در مناجات‌ها، در دعاها، در اذکار و عبادات و در صفات روحی و نفسی معصومین علیهم‌السلام دارای یک بُعدی هستند که آن‌ها را ما نمی‌توانیم تحمل کنیم، نمی‌توانیم بفهمیم، نمی‌توانیم درک کنیم، لذا برای ما بیان نکرده‌اند و هرچه از صفات حمیده آن‌ها، از علوم آن‌ها، از عبادات و مناجات‌های آن‌ها بیان کرده‌اند اگر بخواهیم تشبیه کنیم باید بگوییم: یک معلم هر چه را که مربوط به شخص خود او هست یا در ارتباط با خانواده او هست، این‌ها را در سر کلاس بیان نمی‌کند، آنچه را که بیان می‌کند و روی تخته سیاه

۱۱. سوره مؤمنون، آیه ۳.

می آورد، در سر کلاس می گوید، یک مقداری در یک بُعد خود
او عمل می کند که آن مطرح نیست و بقیّه آن هر چه اظهار
می شود مربوط به این است که ما یاد بگیریم و عمل کنیم، به
ما سرمشق می دهند، اُسوه هستند، الگو هستند و لذا این
دعاهایی که امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه فرموده
است این ها دعاهایی است که ما باید یاد بگیریم و این گونه
با خدا مناجات کنیم. عباداتی که برای مردم بیان کرده اند ولو
اینکه خود آن ها انجام داده اند برای الگو بودن است و برای
سرمشق بودن است و ما باید آن ها را تعلیم بگیریم. شرح
صدری اگر از خود نشان دادند و برای مردم بیان کردند در این
شرح صدر ما هم باید مثل آن ها باشیم، یعنی اگر روزی
جریانی پیش آمد مثل جریان فتح مکه و برخورد با ابوسفیان و

مردم مکه که مکرراً رفتند به طرف پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تا با او جنگ کنند وقتی که پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وارد مکه می شود طبیعتاً حقد ها و دشمنی ها و مبارزات و پدر کشتگی ها که نمونه آن را تا زمان ابی عبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَام در بین آن هایی که تزکیه نفس نکرده بودند و مسلمان بودند و به دستور پیغمبر عمل نکردند می بینیم که به ابی عبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَام عرض می کنند: ما با تو دشمنی خاصی نداریم بلکه «حَقْدًا لَّأَبِيكَ» به خاطر دشمنی که با پدر تو داریم با تو جنگ می کنیم.

در دعای ندبه شما می بینید که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام وقتی که در جنگ های مختلف شرکت کرد و افرادی را کشت این ها بعد به خاطر آن دشمنی که با علی بن ابیطالب داشتند او را نپذیرفتند، او را قبول نکردند،

این صفت کینه توزی برای کسی است که خود را پاک نکرده است، خود را تهذیب نکرده است، تزکیه نفس نکرده است و الا کسانی که تزکیه نفس کرده اند به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله اقتداء می کنند. وقتی که مسلمان ها وارد مکه شدند روی برنامه طبیعی مردم عادی یک نفر صدا زد: «الْيَوْمُ يَوْمُ الْمَلْحَمَةِ»^{۱۲} امروز روز تقاص است، امروز روز آن است که ما جزای آنچه شما کرده اید را بدهیم، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فوراً علی بن ابیطالب علیه السلام که نفس رسول الله است، مانند خود پیغمبر است، پاک است، می فهمد که چه باید بگوید، به علی علیه السلام فرمود: برو به مردم بگو «الْيَوْمُ يَوْمُ الْمَرْحَمَةِ» مرحمه از رحمت می آید، امروز

۱۲. بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۱۳۰.

روز مهربانی است، همه شما را دوست داریم، ما نیامدیم شما را از لب شمشیر، آن طوری که دشمنان فکر می کنند، آن طوری که مسلمانان را معرفی کرده اند از لب شمشیر بگذرانیم. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله این دستور را به علی بن ابیطالب علیه السلام داد، نشانه ای هم برای آن گذاشت که ابی سفیان دشمن سرسخت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، کسی که خود او، زن او، فرزند او، تمام عائله او، بلکه شما در زیارت عاشورا می خوانید «وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمِّیة قَاطِبَه» بنی امیه شجره ملعونه ای هستند که همه آن ها دشمن خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بودند، در عین حال هم آن زن تو که جگر حضرت حمزه را جوید، هم آن پسر تو که قلب مقدس پیغمبر را رنجاند و امام مجتبی علیه السلام را شهید کرد و می کند و هم خود تو که این همه اذیت کردی،

همه شما در امان هستید، این معنی شرح صدر است، نه شرح صدری که پیغمبر داشت، شرح صدری که ما باید داشته باشیم، شرح صدری که ما مردم مسلمانی که «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^{۱۳} برای شما ای مردم پیغمبر مقتدای خوبی است به او اقتداء کنید باید داشته باشیم. هر وقت به این حدّ از کمال رسیدید بدانید که اگر روحاً باشد، اگر تصنعی نباشد، اگر گذشت شما روی مهربانی باشد، تزکیه نفس کردید، پاک هستید، ولی اگر بخواهید به زور خود را وادار به این کار بکنید کار خوبی کردید، تا مراحل تزکیه نفس شما تمام نشده است باید این کار را بکنید اما تزکیه نفس نکردید،

۱۳. سوره احزاب، آیه ۲۱.

قلباً، یک کسی ممکن است بگوید دل من می خواهد فلانی را با خنجر قطعه قطعه کنم اما چون اسلام فرموده است گذشت داشته باش گذشت کنم، این کار خوبی کرده است، بسیار کار خوبی کرده است اما این را بداند که هنوز نفس او پاک نشده است. باید از دل او را عفو کند. ابوسفیان در شبی که فردای آن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با اصحاب خود وارد مکه شدند با ابن عباس آمد خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، یک نگاهی کرد، شبانه بود، می ترسید، چون او خود را مستحق تمام عذاب ها می دانست، یک انسان مجرم می داند اگر در این جمعیتی که به همه آنها ظلم کرده است وارد شود او را قطعه قطعه می کنند، شب هم هست کسی متوجه نشود، بالباس مبدل آمد، حضرت عباس او را برداشت و خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

آورد. از او پرسیدند: حالا فهمیدی که خدایی هست و خداهای شما باطل است؟ گفت: این را فهمیدم، اگر خدای من هم خدایی بود - به تعبیر من - نمی گذاشت کار به این جا بکشد. سیصد و شصت خدا الآن در کعبه هست، در عین حال دشمنان خود را با این تجلیل و تعظیم و عظمت وارد کردند و این ها اصلاً اخم به ابرو نیاوردند، همان طور جای خود مجسمه وار نشسته اند، این ها شرحی است که من می دهم.

بله معتقد هستم که خدایی هست. گفتند: حالا فهمیدی که این شخص فرستاده خدا است، رسول خدا است؟ گفت: این را هنوز یقین نکرده ام. این شخص گفت: اگر می خواهی سر تو روی گردن باشد این را ولو زبانا هم شده است بگو. او هم

گفت، شهادتین را گفتم، ولی ای کاش این طور شهادت را
نمی داد. آن همه ظلمی که بعداً در دوران اُموی ها نسبت به
خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام شد از همین جا شروع شد،
در عین حال شرح صدر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، بزرگواری، بالاتر از
آن را می خواهید به شما نشان بدهم؟ بالاتر از شرح صدر
پیغمبر و بزرگواری پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شما می گوئید مگر
می شود کسی دیگری این بزرگواری را داشته باشد؟ بله، خدا،
خدای تعالی با مردم چه کار دارد می کند؟ چقدر گناه
می کنیم، چقدر در دنیا، نمی گوئیم شما چند نفری که در این
جا نشسته اید، در دنیا چقدر دارد ظلم می شود به بندگان
خوب خدا، چقدر افرادی پیدا شده اند که به عنوان قدرتمند
دنیا را پر از ظلم و جور کرده اند که وقتی آقا ظهور می کنند دنیا

را آنچنان پراز عدل و داد می کنند که قبل از آن پراز ظلم و جور شده است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یک عده مردم مکه را مهربانی کرد و تمام مردم دنیا هم الآن، اگر معنی واسطه بودن را بفهمیم، باز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به امر پروردگار دارد مهربانی می کند، به همه ما مهلت می دهد «إِنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا»^{۱۴} خدا می داند اگر این ها مهلت داشته باشند ظلم این ها بیشتر می شود، بشود «وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ».

۱۴. سوره آل عمران، آیه ۱۷۸.

۳- شرح صدر در مقابل ظلم و ظالم

کسی از ظالمی می ترسد که از دست او فرار کند. من این
اواخر دوران رژیم قبل را دیدم، یک عده بودند در زندان
فهمیده بودند که همین روزها از زندان آزاد می شوند و حاکم
می شوند «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»^{۱۵} دیگران می آیند جای
این ها و این ها باید قصرها را ترک کنند و آن ها بیایند در جای
این ها بنشینند، همین هایی که بعد می خواستند قدرتمند
بشوند در زندان بودند. چون چند روزی بود شکنجه ها را،
اذیت ها را تحمل می کردند، می گفتند به حساب شما خواهیم
رسید. در مشهد یک نمونه من دیدم، یک افسر زندانبان که

۱۵. سوره نور، آیه ۵۵.

خیلی هم خشن بود تقریباً شاید از وقتی که من او را دیدم تا وقتی که این گرفتاری را پیدا کرد شاید پانزده روز نگذشت. او را در کمیته آورده بودند، یک نفری که در آن رأس بود، این خیلی التماس کرد که من خدمت شما بودم، گفتم: بله، او را در زندان ببرید، بردند همان زندانی که پانزده روز قبل همین آقا در آن زندان بود، اگر انسان بداند کجا خواهد رفت، چه خواهد شد، ماها نمی دانیم، اشکال کار ما همین است که ما الآن فکر می کنیم این شخص حالا اگر ظلم کرد، ما را اذیت کرد ما دیگر باختیم، ما ضرر کردیم، این فکر بسیار فکر غلطی است، اگر انسان از اول عمر خود تحت فشار ظالمی باشد تا آخر عمر و صد سال هم عمر کند، میلیاردها سال او تحت ظلم واقع می شود، نه ظلم، تحت فشار واقع می شود و این

شخص در راحتی است. فرض می‌کنیم امام مجتبی علیه السلام چند روزی در فشار بود و معاویه آزاد بود، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: معاویه عقل نداشت. معاویه خیلی زرنگ بود، از نظر امروز ما و از نظر سیاست امروز دنیا شاید برترین و بالاترین بود، کسی که بتواند با آن همه معجزات و کرامات علی بن ابیطالب علیه السلام تحت الشعاع قرار بدهد و یا امام مجتبی علیه السلام را با آن همه عظمت خانه‌نشین کند این خیلی سیاست‌مدار است ولی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: او عقل نداشت. یک وقتی یک مثالی برای شما زدم، اگر در دست یک بچه‌ای یک چک پانصد هزار تومانی باشد نمی‌فهمد این چک به چه درد می‌خورد، یک کسی بیاید یک پنج قرانی - حالا اگر الآن پنج قرانی نیست - یک پنجاه تومانی سکه که

گرد هم هست و شفاف هم هست به او بدهد و بگوید آن را بده و این را بگیر، اگر از شما بپرسند: چرا بچه این کار را کرد؟ می‌گویید: عقل نداشت، عین کلام امام صادق علیه السلام. تو دنیای خود را گرفتی، آخرت را دادی، الآن می‌نشینیم حساب می‌کنیم ما مسلمان هستیم، آخرت ابدی است، یعنی بی‌نهایت است، اگر معتقد نباشیم مسلمان نیستیم، به مجرد اینکه همین الآن شما بگویید آخرتی نیست یا آخرت ابدی نیست، نجس هستید، اموال شما برای ورثه شما است، قاضی صاحب نفوذی باشد باید فوراً گردن شما را بزند، پس معتقد هستید. اعتقاد ما هم باید چقدر باشد؟ اعتقاد ما باید آن طور

باشد که «وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يَوْقِنُونَ»^{۱۶} یقین یقین. همان طوری که الآن می دانیم روز است و یقین داریم، باید یقین داشته باشیم که آخرتی هست. آخرت هم ابدی است، ده هزار سال بیشتر است؟ بله. یک میلیون سال بیشتر است؟ بله. یک میلیارد سال بیشتر، بی نهایت. می توانید بگویید: درست نیست؟ درست است. صد سال در مقابل بی نهایت صفر است، صفر محض. در دنیا ما ظلم ها را احساس می کنیم، معاویه چند روزی در دنیا خوش می گذراند ولی همه مسلمان ها بفهمند یا نفهمند، چون بعضی ها نمی فهمند، معاویه را لعن می کنند. شیعیان که می فهمند به اسم لعن

۱۶. سوره نمل، آیه ۳.

می‌کنند، اهل سنت که شاید بعضی از آن‌ها نفهمند به صفت او را لعن می‌کنند، خدایا ظالم بر پیغمبر را لعن کن! این طوری می‌گویند دیگر، کدام مسلمانی است که کسی که به پیغمبر ظلم کرده است او را لعن نکند؟ همه او را لعن می‌کنند، می‌دانید لعن یعنی چه؟ خدایا تو مهربان هستی، خیلی مهربانی تو بی‌نهایت است، مبادا معاویه را به مهربانی خود نزدیک کنی، این معنای لعن است، مبادا، این دو کار می‌کند: یکی اینکه خدا را خوب معرفی می‌کند، یکی دیگر هم که این انسان را از میان مرحومین، آن کسانی که ممکن است مورد رحم خدا واقع بشوند دور می‌کند. هر جا شما لعن کردید معنای این است که خدایا تو خیلی مهربان هستی، ما می‌ترسیم این دشمن ما را، این دشمن انسانیت را، این دشمن

بشریت را مورد ترحم خود قرار بدهی، او را به ترحم خود نزدیک نکن.

۴- الگو بودن پیغمبر اکرم و ائمه در شرح صدر و عبادت

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله اگر شرح صدر داشت به اندازه‌ای که ما یاد بگیریم به ما نشان داد، دعاها هم همین طور است، عبادت‌ها هم همین طور است، و **إِلَّا** معنا ندارد یک نفری نصف شب، حتی شماها، نصف شب نشسته باشید با خدا مناجات کرده باشید، خوب با خدا صحبت کرده باشید، روز بیایید بگویید آنچه که من دیشب، نصف شب با خدا صحبت کردم شما بنویسید تا این طوری عبادت بکنید، این که کار ما نیست تا

چه برسد به امامی که خدا را خوب می شناسد. آن دعای ندبه را به ما گفتند شما بخوانید، دعای کمیل را علی بن ابیطالب علیه السلام به کمیل فرمود: تو بخوان، ماها باید بخوانیم. دعای ابو حمزه ثمالی را حضرت سجاد علیه السلام به ابو حمزه فرمود: تو بخوان. ما باید بخوانیم، خود آنها هم می خواندند، چون هر کسی یک برداشتی از چیزی دارد، از دعایی دارد. بنابراین خدا که می فرماید: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ»^{۱۷} ای پیغمبر اگر ما تو را به حال خود وامی گذاشتیم، اگر تو را از آن علمی که در روز اول خلقت به تو عنایت کردیم نمی دادیم، تو این طور که نبودی «الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ»^{۱۸} - روی

۱۷. سوره شرح، آیات ۱ و ۲.

۱۸. سوره شرح، آیه ۳.

دوش تو فشار آمده بود، جهل روی دوش انسان خیلی فشار می آورد این را بدانید، نادانی خیلی فشار دارد. دوتا برادر باشند یکی رفته باشد تحصیلاتی داشته باشد، سواد داشته باشد، یکی هم درس نخوانده باشد و بی سواد باشد و این ها بخواهند با هم زندگی کنند، روی دوش آن کسی که سواد ندارد خیلی فشار می آید، هر چه می خواهد بخواند می برد می گوید: برادر این را برای من بخوان، هر چه می خواهد بفهمد می گوید: برادر تو بفهم تا من بعد بفهمم، هر چه می خواهد عمل بکند می گوید: تو بکن تا من یاد بگیرم، این ها فشار دارد.

۵- ظرفیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را فقط ائمه علیهم السلام می دانند

«الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ» اگر ما شرح صدر به تو نمی دادیم، بروید اول خلقت، خدای تعالی یک ظرفیتی به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله داده است که ظرف او به قدری وسیع است که ما که نمی فهمیم هیچ، اولیاء خدا هم نمی فهمند هیچ، انبیاء خدا هم متوجه آن نمی شوند هیچ، فقط چهارده معصوم علیهم السلام هستند که این ها می دانند چقدر خدا این ظرف قلب پیغمبر را وسیع قرار داده است «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» در اثر این شرح صدر و در اثر آن علمی که خدای تعالی در این ظرف ریخته است و حکمتی که در این ظرف فرود آورده است که علوم اولین و آخرین به او عنایت شده است، شما نگویند: چطور می شود؟

حضرت آدم را که خدا خلق کرد «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»^{۱۹}
حضرت آدم با ابوالفضل حسین بن علی علیه السلام مقایسه
نمی‌شود، در اعمال آن‌ها. چون این مثال را خود آن‌ها فرمودند
من عرض می‌کنم، حضرت آدم در بهشت همه چیز در
اختیار داشت «وَكُلًّا مِنْهَا»^{۲۰} از همه چیز بخورید، از اینجا
لذت ببرید «وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ» نزدیک این درخت، چه
باصطلاح این بوته، نشوید. این‌ها رفتند از همان خوردند، حالا
تحت چه عنوانی بود آن بحث دیگری دارد، اما ابوالفضل
العباس که جان همه ما به قربان او- چند روزی است آب
نخورده است، لب‌های او تشنه است، عطش او از همه

۱۹. سوره بقره، آیه ۳۱.

۲۰. سوره بقره، آیه ۳۵.

کسانی که در کربلا بودند بیشتر است، که برای شما شرح دادم، آمده است دست را برده است زیر آب «فَذَكَرَ عَطَشَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^{۲۱} شما این دوتا را با هم مقایسه کنید. حضرت آدم همان کسی است که «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» حضرت ابوالفضل چطور؟ اگر «عَلَّمَ ابوالفضل كُلَّهَا» نبود شما چطور در خانه خلوت خود می‌گویید: یا ابوالفضل! فوراً حاجت شما برآورده می‌شود. مشهد یک گردنه الله اکبری هست، یک ارمنی می‌بیند ماشین او دارد پایین می‌رود، می‌گوید: یا ابوالفضل، خدا می‌داند - این را زمانی که من در مشهد بودم هم همه دیدند و هم من یقین کردم - که دوتا چرخ جلو طرف درّه رفته

۲۱. شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۳، ص ۱۹۲.

است و معلق مانده است و همان جا نگه داشته شده است، این «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» همه نشانه‌ها را می‌داند، همه چیز را می‌داند، یا باید این کارها را ترک کنید بگویید: ابوالفضل. مثل آن یک احمقی در تهران شما بود، گدایی در خانه او آمده بود، گفته بود یا ابوالفضل، گفته بود اگر من را می‌گویی - اسم او ابوالفضل بود - بله، اما اگر ابوالفضل کربلا را می‌گویی هزار و چند صد سال قبل از دنیا رفت، صدای تو را نمی‌شنود، اگر صدای ما را نمی‌شنود این کارهای ما چیست؟ این یا ابوالفضلی که روی هر ماشینی، روی هر خانه‌ای، روی هر قلبی نوشته شده است و او را صدا می‌زنیم، خدای من شاهد است من گاهی که یک حاجتی دارم می‌بینم ائمه بزرگ هستند، خود آن‌ها می‌دانند، ابوالفضل هم می‌داند ولی بیشتر

متوسل به حضرت می شوم، می بینم فوراً لبیک را می فرمایند،
قربان او بروم.

بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که ابوالفضل او این است، روز اول خلقت
خدای تعالی همه امور را به او تعلیم داد «الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ»
نگذاشت جهلی داشته باشد که بر دوش او سنگینی بکند.
اگر یک کلمه پیغمبر نمی دانست، همان روی دل او سنگینی
می کرد، روی قلب او، این یکی از دلایل عصمت از جهل ائمه
اطهار علیهم السلام است. سنگینی می کرد «الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ وَ رَفَعْنَا
لَكَ ذِكْرَكَ» نام تو را بالا بردیم، پیغمبر اسلام، جان ما به
قربانش - همان مثال قبلی من - درست است چند روزی در
این دنیا مردم پیغمبر را نشناختند، خیال کردند که پیغمبر
اکرم صلی الله علیه و آله آمده است چند روزی ریاست کند و بعد هم از دنیا

برود و آن‌ها هم همین کار را می‌خواهند بکنند، کم‌کم به یزید بن معاویه برسد، تا بگوید:

«لَعِبْتُ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا خَبْرُ جَاءَ وَلَا وَحْيُ نَزَلَ»^{۲۲}

تا به آنجا برسد، نفهمیدند. پیغمبر چند روزی در فشار بود، درست است، همه ناراحتی‌های ما هم روی همین حساب است اما در مقابل این شاء الله به زودی خواهیم دید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در عالم آخرت چه مقامی دارد «يُنْعَثُكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً»^{۲۳} نماز شب بخوان ای پیغمبر «فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَهُ لَكَ عَسَى أَنْ يَنْعَثُكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً» خدا روز قیامت یک

۲۲. اللهوف على قتلى الطفوف، ص ۱۸۱.

۲۳. سوره اسراء، آیه ۷۹.

مقامی به او خواهد داد که همه مردم را شفاعت می‌کند، شفاعت گفتم: تراشیدن در و پنجره و به هم وصل کردن است، همه امت خود را، البته آن‌هایی که شیعه علی بن ابیطالب علیه السلام باشند این قدر مسلم است، این‌ها را شفاعت می‌کند و وارد بهشت می‌کند. خدا هم به او وعده فرموده است «وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى»^{۲۴} ای پیغمبر آنقدر خدا به تو می‌دهد تا راضی بشوی. امام می‌فرماید: حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله راضی نمی‌شود تا یک نفر از امتی که قابل شفاعت باشند، اینکه قابل شفاعت باشند ضمن کلام است، یعنی خود آن معلوم است، این‌ها را وارد بهشت کند. در

۲۴. سوره ضحی، آیه ۵.

قیامت، در آن صحرای عجیب سر به سجده می‌گذارد و تقاضا می‌کند و خدا هم تند تند و سریع، چون پروردگار «سَرِيعُ الْحِسَابِ»^{۲۵} است، پروردگار «سَرِيعَ الرَّضَا»^{۲۶} است، سریع، چقدر سرعت؟ سرعت آن را نمی‌شود گفت چقدر، با یک اراده «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^{۲۷} تمام مردمی که قابل برای شفاعت پیغمبر باشند آن‌ها را شفاعت می‌کند.

آنقدر این بزرگوار مهربان است که در ارتباط با گناهان خود اگر مایل باشید، بعضی‌ها مایل نیستند، بعضی‌ها هستند که روز قیامت هم که می‌شود در مقابل حق و حقیقت سر تسلیم

۲۵. سوره بقره، آیه ۲۰۲.

۲۶. عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۹۱.

۲۷. سوره یس، آیه ۸۲.

فرود نمی‌کنند، آخر علی بن ابیطالب علیه السلام آمد بالای سر دومی، علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: یک کلمه بگو من اشتباه کردم، من بهشت را برای تو ضمانت می‌کنم، گفت: «النار و للعار» خیلی عجیب است، آتش برای من بهتر از این عار و ننگی است که من بگویم اشتباه کردم. معنای این چیست؟ معنای عدم تزکیه نفس است، حالا او که تزکیه نفس سر او را بخورد، کافری بود که یک لحظه به خدای تعالی و آخرت ایمان نیاورد «النار و للعار» نکند ما این طوری باشیم و دیدید طرف شما حق است فوری بگویید حق با شما است، من اشتباه کردم، چون اگر نگفتید در آن صف واقع می‌شوید. پاکی نفس شما باید ایجاب بکند که وقتی که یک کاری می‌دانید حق با طرف است برای خود مَحْمِلِ درست نکنید،

نگویید: نه، حالا شاید عمداً این کار را کرده است، حالا شاید اشتباه شده است، باز هم شما بروید دفترهای خود را نگاه کنید، می‌داند ایشان چیز کرده است، دفترهای خود را نگاه کنید تا ببینیم چه می‌شود، می‌خواهد دفع وقت کند، این هم همان نرفتن زیر عار است، نکنیم، این طوری نباشیم.

۶- شرح صدر و علم پیغمبر اکرم ﷺ

پیغمبر اکرم ﷺ آنقدر شرح صدر دارد که خدای تعالی آن علم با عظمت را که اگر قرآن باشد «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ»^{۲۸} آخر به حضرت آدم «الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» را دادند، اسم‌های آن را،

۲۸. سوره نحل، آیه ۸۹.

نشانه‌های آن را دادند، اما این جا بیان همه چیز را دادند، اهل آن می‌فهمند که فرق این دوتا چقدر است «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» صریح قرآن است، فقط قرآن را اگر خدای تعالی به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز اول داده باشد «الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ» شده است، هیچ جهلی برای پیغمبر باقی نمانده است، من این را ادعا می‌کنم و عرض می‌کنم همه آن‌هایی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را اهل جهل و نادانی می‌دانند این را بدانند که آیاتی از قرآن را منکر شده‌اند. یک حرف‌هایی درست کردند، الآن هم تازه در کتاب‌های خود نوشته‌اند و به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جسارت کردند که من نمی‌خواهم روز وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله وقت شما را صرف این مطالب کنم ولی آن‌هایی که دنبال این‌ها حرکت می‌کنند به خدا قسم همان اندازه که خدای

تعالی با شدت می‌فرماید: «لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى
أَوْلِيَاءَ»^{۲۹} یهود و نصاری را برای خود ولی قرار ندهید،
سرپرست قرار ندهید، همان طور یقیناً خدای تعالی
می‌فرماید: این عده‌ای که به پیغمبر ظلم می‌کنند به اسم
مسلمان، این‌ها را ولی خود قرار ندهید، خدا را شکر کنید که
در مملکتی زندگی می‌کنید، ما الآن ممالکی داریم که نود
درصد آن‌ها شیعه هستند ولی یک حاکم سنی بر آن‌ها
حکومت می‌کند، الحمد لله در این مملکت یک حاکم شیعه
بر ما حکمفرمایی می‌کند و این را از بزرگ‌ترین نعمت‌های
الهی بدانید و - می‌ترسم این را بگویم یک وقتی به بعضی

۲۹. سوره مائده، آیه ۵۱.

توهین بشود، مگر یک علتی داشته باشد- هر کس هر مملکتی را بهتر از این مملکت بداند ولو اینکه در این جا به او ظلم می شود ولی در آن جا راحت است این خیلی نادان است، نادان است، واقعاً نادان است «لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى أَوْلِيَاءَ» این ها را اولیاء خود قرار ندهید، آن ها اگر می فهمیدند خود را درست می کردند، بهشت خود را به وجود می آوردند «الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» ای پیغمبر «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^{۳۰} این را بدان با این سختی هایی که تو می کشی که «مَا أُوذِيَ نَبِيٌّ مِثْلَ مَا أُوْذِيْتُ»^{۳۱} آن قدری که من اذیت شدم هیچ کس اذیت نشد. این «العُسْر» این عُسری که

۳۰. سوره شرح، آیه ۵.

۳۱. بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۵۶.

تو الآن داری، سختی‌هایی که داری یک یُسری هست و باز می‌فرماید: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^{۳۲} با این سختی یک آسانی دیگری هست که بعضی از مفسرین می‌گویند در مقابل هر سختی دوتا آسانی هست، جنبه ادبی دارد که در آن حرف است، حالا با هر سختی یک آسانی هست، یک مقدار سختی بکش، یک مقداری به خود فشار بیاور، ریاضت بکش، ریاضت نفسانی بکش، ریاضت شرعی بکش، در این دنیا خود را درست کن. آخر سخت است، ده شب نماز شب خوانده است دیگر حالا من نمی‌توانم، آقا خیلی مشکل است، چکار کردی که مشکل است؟ مجموع نماز شب را هر چقدر

۳۲. سوره شرح، آیه ۶.

هم با تانی بخوانی نیم ساعت طول می کشد، اگر نماز شب
وظیفه تو باشد و نخوانی، می بینی که خدای تعالی یک
ساعت، دو ساعت بیدار خوابی به سر تو زده است، اعصاب
خُرد، از این پهلوی به آن پهلوی، بلند شوم چکار کنم؟ یک قرص
خواب آور بخور تا بتوانی بخوابی، آن هم بعد از دو ساعت
عمل می کند، حالا نقداً یکی دو ساعت این جا از این شانه به
آن شانه غلطت بزن تا بفهمی، آن وقت بعد از آن هم یسری
برای تو نیست، روز هم کسل هستی، دیشب نخوابیدی. نیم
ساعت «فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً
مَحْمُوداً»^{۳۳} «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا فَإِذَا فَرَغْتَ

۳۳ - سوره اسراء، آیه ۷۹.

فَانْصَبْ» اگر یک کار مهمی را تمام کردی، دو مرتبه شروع کن،
یک کار دیگر، دیگر راحت نرو بازنشسته بشو. بازنشستگی
یعنی چه؟ من به همه دوستانی که یا بازنشسته شده‌اند یا
بازنشسته می‌خواهند بشوند عرض می‌کنم بازنشستگی کلمه
بسیار نادرستی است، انسان تا آن لحظه آخر اگر می‌خواهید
پیغمبر اُسوه شما باشد آن روز همین امروز پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
فرمود: «لِيَأْتِيَ بِالذَّوَاهِ وَالْبِيَاضِ» برای من یک قلم و کاغذ
بیاورید تا من بنویسم. تا حالا ننوشته بود، خطی از پیغمبر یا
نیست یا اگر هست خیلی کم، ولی امروز خود او می‌خواهد
«لَا كُتِبَ» می‌گوید: خود من بنویسم. بیکار نشوید، بیکار
نشینید، بازنشسته شدید معنای آن این نیست که بروید در
خانه زمستان در کنار کرسی و پاهای خود را دراز کنید و

بخوابید، تابستان هم یک جایی، یک ویلایی به دست
بیاورید آن جا بروید بخوابید. کم کم یک قدری تریاک بکشید
تا شما را بکشد! این معنای بازنشسته یعنی چه؟ در مجلس
ما دوستانی که کارمند باشند هستند، به شما توصیه می کنم
تا بازنشست شدید فعالیت شما دو سه برابر بشود «فَإِذَا فَرَغْتَ
فَانْصَبْ» جدی باش. حالا یک چیزی هم، حقوق بخور و
نمیری هم به تو می دهند بقیه آن را برای رفاه زن و بچه خود
فعال باش، برو یک زمینی بگیر، یک باغی، یک کاری، یک
بیلی بزن، نه برای پول، برای خدا «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ» پیغمبر
اکرم ﷺ تا لحظه آخر عمر خود بیکار نبود، بازنشسته هم

نشد، معنا ندارد «وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ»^{۳۴} تحت ربوبیت
پروردگار رغبت داشته باش.

من امروز زیاد حرف زدم امیدواریم پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به ما
کمک کند و آنچه که فشار روی دوش ما هست، بالأخص در
عالم آخرت از روی دوش ما بردارد و ما را از یاران خوب امام
عصر عَلَيْهِ السَّلَام قرار دهد.

۳۴. سوره شرح، آیه ۸.